


تلاشی در مسیر موفقیت



- ✓ دانلود گام به گام تمام دروس
- ✓ دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- ✓ دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- ✓ دانلود نمونه سوالات امتحانی
- ✓ مشاوره کنکور
- ✓ فیلم های انگیزشی

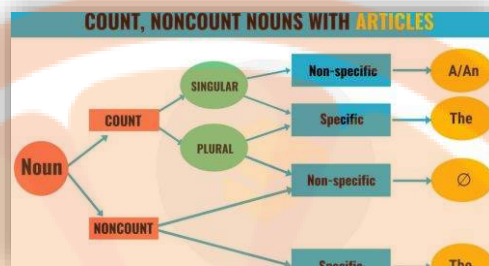
 Www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)

درس اول

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش (Countable & Uncountable Nouns)



اسم‌ها در زبان انگلیسی به دو نوع تقسیم می‌شود: اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسامی قابل شمارش (Countable Nouns)

برای افراد، اشیاء و مکانهایی که می‌توانیم آنها را بشماریم از اسامی قابل شمارش استفاده می‌کنیم. اسامی قابل شمارش معمولاً هم فرم مفرد دارند و هم فرم جمع.

قبل از اسامی قابل شمارش مفرد، از حروف تعریف استفاده می‌کنیم. حروف تعریف به دو گروه معین (definite article) و نامعین (indefinite article) تقسیم می‌شوند.

حروف تعریف نامعین (a / an)

حروف تعریف نامعین، شامل a و an بوده و در موارد زیر به کار می‌روند.

★ a و an قبل از اسامی مفرد و قابل شمارش به کار برده می‌شوند.

اسم مفرد قابل شمارش + a / an a book (نه a books)

۱- قبل از اسامی جمع و اسامی غیر قابل شمارش a یا an به کار نمی‌رود.

They are students. (نهa students.)

Would you like some milk? (نهa milk)

۲- قبل از صفت به تنهایی a یا an به کار برده نمی‌شود، مگر اینکه بعد از آن یک اسم وجود داشته باشد.

She is very good. (نهShe is a very good.)

She is a very good student.

۳- قبل از اسامی که با حروف مصوت (a, i, u, o, e) شروع می‌شوند an (نه a) به کار برده می‌شود. توجه داشته باشید که کاربرد an بستگی به تلفظ کلمه دارد نه به صورت نوشتاری آن. اگر کلمه در تلفظ با یکی از صداهای ا، آ، ای، او شروع شود، قبل از آن an به کار می‌رود. مثل:

an offer, an apple

ولی به موارد زیر و تلفظ صدای آغازین توجه کنید.

a university, an hour, an honest man, an heir, a horse



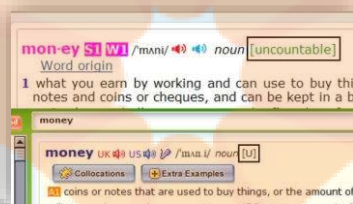
۴- صورتیکه قبل از اسم یکی از وابسته های پیشرو اسمی (مانند your, my, that, this) به کار رفته باشد، حرف تعریف نمی گیرد.

He is **a** friend of mine. (نه He is a my friend.)

حرف تعریف معین (the)

★ **the** حرف تعریف معین نامیده می شود. به این معنا که اسمی که بعد از آن می آید برای گوینده شناخته شده است. **the** می تواند قبل از اسامی مفرد، جمع، قابل شمارش و غیر قابل شمارش به کار رود.

(غیر قابل شمارش) the water , (قابل شمارش جمع) the stars , (قابل شمارش مفرد) the table



برخی اسامی قابل شمارش تنها فرم جمع دارند.

- The pants are on the bed.
- The clothes are dirty.
- The jeans are blue.

در برخی اسامی قابل شمارش، فرم مفرد و جمع یکی است:

one fish – four fish – one sheep – two sheep

اسامی قابل شمارش مفرد با a/an/the می آیند. در حالی که اسامی قابل شمارش جمع یا **the** می گیرند یا قبل از آنها چیزی نمی آید.

A car is expensive.

Countable singular noun

The flower is beautiful.

Countable singular noun

The cars are expensive.

Countable plural noun

The flowers are beautiful.

Countable plural noun

اسامی غیر قابل شمارش

به چیزهایی که نمیتوانیم آنها را بشماریم، اسامی غیر قابل شمارش می گویند. مانند ice - air - milk و اسامی انتزاعی نیز غیر قابل شمارش

هستند: مانند peace – death – culture

➤ trust, happiness, education, friendship, time, software, homework, smoke, snow, money

برخی اسامی غیر قابل شمارش همچون اسامی جمع به S- ختم می شوند، اما از آنجا که این اسامی غیر قابل شمارش هستند، فعلی که برایشان به کار می رود، فعل مفرد است.

- **Mathematics** is difficult.
- The **news** is bad.

وقتی فاعل جمله یک اسم غیر قابل شمارش است، از فعل مفرد برای آن جمله استفاده می کنیم.

- Water freezes at 100' c.
- This information is useful.

توجه: برای اسامی غیر قابل شمارش از a/an استفاده نمی شود و فقط می توانند the بگیرند. (یا هیچ چیز قبل آنها نیاید).

- The blood is red.
- The traffic is heavy.

Uncountable singular noun

Uncountable singular noun

مقایسه اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

۱- اسامی قابل شمارش افراد، اشیاء و مکانهایی هستند که به صورت ارقام منفرد می توان آنها را شمارش کرد. اسامی غیر قابل شمارش چیزهایی هستند که نمی توانیم آنها را بشماریم و یا به صورت ارقام منفرد آنها را در نظر بگیریم.

۲- اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش از نظر معنایی به هم مرتبط اند. اسامی غیر قابل شمارش گاهی به طبقه یا دسته ای از اشیاء اشاره دارند، اما اسامی قابل شمارش به یک نمونه مشخص از یک چیز اشاره می کنند. مثالهایی از این اسامی در زیر آمده است:

a suitcase	a word	a job	a bracelet	a dollar bill	A chair	قابل شمارش
Luggage	vocabulary	Work	jewelry	money	furniture	غیر قابل شمارش

اسامی غیر قابل شمارش

بسیاری از اسامی غیر قابل شمارش، مواد مختلف هستند. مانند:



مواد دیگر	دانه ها و پودرها	گاز	مایع	جامد
asphalt	flour	air	blood	wool
cotton	hair	pollution	coffee	chalk
metal	rice	steam	tea	glass
gold	wheat	oxygen	shampoo	wood

اسامی غیر قابل شمارش ممکن است به احساسات، افکار، موضوعات و فعالیت های مختلف نیز اشاره کنند.

فعالیت ها	موضوعات درسی	افکار و احساسات
work, homework	mathematics	honesty
reading, dancing	chemistry	patience
sleeping, basketball	biology	knowledge

کل و جزء

برخی اسامی هم قابل شمارش اند و هم غیر قابل شمارش. البته معانی آنها در هر یک از حالات متفاوت است. اسامی قابل شمارش به چیزهای منفرد اشاره دارند، در حالی که اسامی غیر قابل شمارش کلی تر و عمومی تر هستند.

قابل شمارش یا جزء	غیر قابل شمارش یا کل
I washed it two times . (دو دفعه)	What's the time ? (زمان به طور کلی)
She had a bad experience . (یک تجربه بد)	This job needs experience . (تجربه به طور کلی)
A sheep is missing. (یک گوسفند)	Sheep is delicious in the soup. (گوشت گوسفند)
He had two coffees this morning. (دو فنجان قهوه)	Stop drinking too much coffee . (ماده قهوه)

صفات کمی ویژه اسامی قابل شمارش

تعداد زیادی	Many / a lot of / lots of / plenty of
تعداد بسیار زیادی (مفهوم مثبت)	so many
تعداد بسیار زیادی (مفهوم منفی، بیش از حد)	too many
تعدادی، برخی، بعضی	some
تعداد کمی (ولی مثبت)	a few
تعداد بسیار کمی (مفهوم منفی)	few
آنقدر کم (که)...	so few

صفات کمی ویژه اسامی غیر قابل شمارش

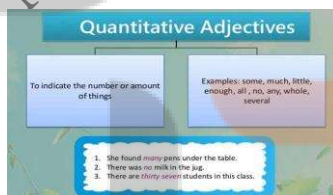
مقدار (بسیار) زیادی	Much / a lot of / / lots of / plenty of
مقدار بسیار زیادی (مفهوم مثبت)	so much
مقدار بسیار زیادی (مفهوم منفی، بیش از حد)	too much
مقداری	some
مقدار کمی (مفهوم مثبت)	a little
مقدار بسیار کمی (مفهوم منفی)	little
آنقدر کم (که)...	so little



More Examples:

Countable		Uncountable
There are two hairs in my coffee!	hair	I don't have much hair.
There are two lights in our bedroom.	light	Close the curtain. There's too much light!
Shhhhhh! I thought I heard a noise.	noise	It's difficult to work when there is so much noise.
There are so many different noises in the city.		
Have you got a paper to read? (newspaper)	paper	I want to draw a picture. Have you got some paper?
Hand me those student papers.		
Our house has seven rooms.	room	Is there room for me to sit here?
We had a great time at the party.	time	Have you got time for a cup of coffee?
How many times have I told you no?		
<i>Macbeth</i> is one of Shakespeare's greatest works.	work	I have no money. I need work!

صفات کمی در زبان انگلیسی (Quantitative Adjectives)



برای شمارش اسمی قابل شمارش می توان از اعداد یا برخی صفات کمی استفاده کرد:

این صفات مقدار یا تعداد اسمی را که به دنبالشان به کار برده می شود بیان می دارند و مهمترین اقلام آن ها عبارت اند از:

No هیچ / All همه / Some تعدادی، مقداری، بعضی، برخی / Whole تمام / little مقدار کم / much مقدار زیاد / any هیچ / half نصف / many تعداد زیاد

مانند:

1- He ate *much* bread.

او مقدار زیادی نان خورد.

2- He ate *little* bread

او مقدار کمی نان خورد.



3- *Half* a loaf is better than no bread.

نصف قرص نان بهتر از هیچ است. (سیلی نقد به از حلوای نسیه)

4- He ate *some* bread.

او مقداری نان خورد.

5- He did not eat *any* bread.

او هیچ نان نخورد.

6- He ate *enough* bread.

او به قدر کافی نان خورد.

7- He ate *all* the bread.

او همه نان را خورد.

8- Tell me the *whole* story.

تمام حکایت را برای من بگو.

نکته ۱- صفات کمی در گرامر انگلیسی فقط برای توصیف اسامی مفرد به کار می‌روند.

نکته ۲- How much برخی اوقات در پرسش هایی به کار برده میشود که جواب آنها شامل تعدادی از اقسام باشد مانند:

How much bread would you like?

چقدر نان می خواهید؟

Two white (loaves)

دو (گرده نان یا قرص نان) سفید

اما به طور معمول اگر منظور کمیت چیزها باشد **How much** به کار می‌بریم در صورتی که چنانچه اشیای شمردنی و منفرد مورد سوال باشد از عبارت **How many** استفاده می‌کنیم.

نکته ۳- **no** همیشه پیش از اسم به کار می‌رود بنابراین صفت است.

نکته ۴- **none** هیچ وقت به همراه اسمی واقع نمی‌شود به همین جهت ضمیر به حساب می‌آید.

نکته ۵- صفت کمی همیشه پیش از اسم مفرد قرار می‌گیرد. این اسم معمولاً یا اسم معنی می باشد مانند **much pain** (درد شدید) یا اسم

ماده مانند **much bread** (مقدار زیادی نان) که در هر صورت در زمره اسامی غیر قابل شمارش می باشند.

نکته ۶- کلمات **no, none, both** را می توان جزء صفات ادبی معین منظور نمود زیرا **no** و **none** شکل منفی **one** است و **both** به معنای

“هر دو” می‌باشد

نکته ۷- **all** و **half** حرف تعریف نامعین هستند زیرا عدد دقیقی را بیان نمی‌کنند، **half** وقتی که نسبت را نشان می‌دهد معین ولی هنگامی

که اعداد را نشان می‌دهد غیر معین است.

a هر وقت دلالت بر عدد یک **one** داشته باشد صفت و معین است اما هنگامی است که **a** بر واحدی نامشخص و فردی نامعین دلالت میکند، به همین جهت آن را حرف تعریف نامعین می‌نامند.

one همچنین مانند یک ضمیر غیر مشخصی به کار برده میشود.

One often forgets things.



انسان اغلب چیزها را فراموش می کند.

Much, many, none, both, other, few, some, all صفاتی هستند که مانند **ضمیر** نیز به کار برده می شوند.

Any را میتوان هم با اسم مفرد هم با اسم جمع به کار برد.

Any body can carry it.

Did you see any boys there?

Any از A بیشتر تاکید دارد و گاهی به جای اسم می نشینند و مانند ضمیر به کار می رود مانند:

Any of them will do.

Both

Both یک نوع جمع است به معنی "هر دو" کلمه **both** به طرق مختلف به کار برده می شود:

- 1- Both girls did well.
- 2- Both the girls did well.
- 3- Both of the girls did well.
- 4- Both did well.
- 5- Both John and James won prizes.

در جمله ۱، both به طور واضح **صفت** است.

در جمله ۲، می توان گفت **اسم جمع** است و در نقش بدل girls آمده است.

در جمله ۳، باز هم میتوان گفت **اسم جمع** است.

در جمله ۴، both **ضمیر** است.

در جمله ۵، both **حرف ربط** است.

Some

Some به یک عدد غیر معین اشاره دارد مانند **Some boys** و یا یک مقدار و کمیت غیر معین نظیر:

He spilled some milk.

او مقداری شیر ریخت.

Some تقریباً مانند جمع حرف تعریف های a و the به کار برده می شود.

Singular: a man, the man

Plural: some men

Some همچنین با اسامی مفرد به صورت حرف تعریف غیر معین به کار می رود، مانند:

Some boy has done it.

پسری این کار را کرده است.

Some مانند ضمیر هم به کار برده می شود، نظیر:

Some say this, some say that.



برخی از این طور می گویند، برخی آن طور.

نکته: برخی از اسامی غیر قابل شمارش (و حتی قابل شمارش!) با واحدهای خاصی به کار می روند که تعدادی از آنها در اینجا می آیند. به این

واحدها Partitives گفته می شود.

a bunch of flowers = یک دسته گل

a string of beads = یک رشته مهره

a lump of coal = یک تکه زغال

a bar of soap = یک قالب صابون

a slice of meat = یک تکه گوشت

a pair of shoes = یک جفت کفش

a drop/bottle of water = یک قطره/بطری آب

a bunch of grapes = یک خوشه انگور

a stack of plates = یک دست بشقاب

a row of seats = یک ردیف صندلی

a ball of string = یک کلاف کاموا

a bundle of newspapers = یک دسته روزنامه

a crowd of people = جمعیتی از افراد

a loaf of bread = یک قرص نان

a jar of jam = یک شیشه مربا

a piece of news = یک خبر

a grain of rice = یک دانه برنج

ID: @konkur_moradianfard

English konkur

کانال کنکور ما:

درس دوم

ماضی نقلی (حال کامل) Present Perfect Tense

حال کامل عملی است که یا در گذشته شروع شده و تا به حال ادامه داشته است یا اینکه در گذشته، در زمان نامعلومی انجام گرفته و نتیجه و اثر آن تا زمان حال باقی است (به همین به آن حال کامل می‌گویند). برای ساخت این زمان از فرمول زیر استفاده می‌کنیم.

Have / has + past participle (pp.)

مثال:

I haven't seen him for two months.

He has never been to Tehran so far.

Since he graduated, he has been much happier.

علائم و قیدهای زمان ویژه ماضی نقلی:

علائم ویژه این زمان عبارتند از:

just- already- recently- lately- since- for- yet – so far- ever – many times – never – finally- all day- during the past few days – within the past few days- as soon as – now that

و قیدهایی مانند

yesterday, last, a minute ago, before Ali came

در این زمان به کار نمی‌روند. برای مثال نمی‌توانیم بگوییم:

I have opened door a minute ago.

در چنین جملاتی که عمل در گذشته انجام شده و تمام شده است، باید از گذشته ساده استفاده کرد.

Since دارای کاربردهای زیر است:

۱- since یکی از علائم ماضی نقلی یا ماضی نقلی استمراری می‌باشد و مبدء زمان را نشان می‌دهد (a specific point in time) به معنی

"از زمانی که". و پس از آن جمله ماضی ساده می‌آید که به صورت بند وابسته (adverb clause) است. مثال:

1- My father has been watching TV since I arrived.

از زمانی که من رسیدم، پدرم داشت تلویزیون تماشا می‌کرد.

2- Since the speaker started his lecture, they have been talking.

از وقتی که گوینده شروع به سخنرانی کرده، آنها حرف می‌زنند.

نکته: این کاربرد since را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد.

have / has + pp (ماضی نقلی)

گذشته‌ی ساده + فاعل + since + _____ + فاعل

have / has + been + verb + ing (ماضی نقلی استمراری)

۲- since برای بیان مبدا زمان گاهی همراه یک عبارت زمانی استفاده می شود به معنی "از- از آن زمان تا" و پس از آن مبدأ زمان به کار می رود.

1- I haven't seen her since February.

من او را از ماه فوریه تا کنون ندیده ام.

2- They have been living abroad since 1380.

آنها از سال ۱۳۸۰ تا کنون در خارج زندگی می کنند.

نکته: Since یک حرف ربط علت نیز است و به معنی "زیرا" می باشد.

Since the weather was so cold, I stayed home.

For به معنی "برای" و "بمدت" نشان دهنده طول زمان است (quantity of time).

I haven't seen him for 10 years.

For هم در زمان ماضی نقلی و هم در جملات گذشته به کار می رود باین تفاوت که در جملات گذشته بیان کننده ادامه عمل تا زمان حال

نیست، برای مثال در جمله:

I studied for 2 years.

(2 years) یعنی مشخص نیست که کدام دو سال مثلاً "پنج تا هفت سال پیش (اما اکنون مطالعه نمی کنم) اما هنگامی که می گوئیم:

I have studied for 3 years.

یعنی مطالعه من از سه سال پیش شروع شد، آن را ادامه دادم و هنوز مشغول مطالعه هستم.

Just به معنی تازه، درست چند لحظه قبل است و برای بیان عملی است که به تازگی انجام گرفته (recent past)

Just بین فعل کمکی و فعل اصلی قرار می گیرد.

I've just had lunch. I'm totally full.

همین الان ناهار خورده ام.

Our dinner guests have just arrived.

**Already**

به معنی قبلاً ، هم اکنون است و مانند just نشان دهنده شکلی است که در گذشته شروع شده اما اخیراً خیلی نزدیک به زمان حال تمام شده است محل آن بین فعل کمکی و فعل اصلی بعد از فعل to be و گاهی نیز در آخر جمله است معادل این کلمه before است که در آخر جملات ماضی به کار می رود .

I have already mailed my package.

He has visited a great number of place already.

already زمانی را زودتر از آنچه انتظاری رود نشان می دهد و در موقعیت های مثبت به کار می رود اما به طور استثنا به عنوان شک و تردید می تواند در جملات سوالی به کار رود .

He is in shiraz already . (or) he is already in shiraz.

They know the answer already.

Have they found the thief already?

Yet

بمعنی هنوز در جملات منفی و سوالی به کار می رود و کار زمانی دیرتر از آنچه انتظاری رود انجام می گیرد و گوینده انتظار دارد چیزی اتفاق بیفتد و معمولاً در آخر جمله می آید.

Ali hasn't read the book yet.

They aren't here yet.

Has it stopped raining yet?

Ever / Never

به طرز استفاده این دو کلمه در جملات ماضی نقلی توجه کنید :
آیا تاکنون در چین بوده اید (به چین رفته اید ؟)

Have you ever been to china?

No, I have never been to china.

بنابراین ever در جملات مثبت و سوالی و never در جملات منفی به کار می رود .

I have never seen such a film.

تاکنون چنین فیلمی ندیده ام (که در فارسی می گوئیم) تا حالا چنین فیلمی ندیده بودم .

He has never driven a car before.

Lately / Recently

recently قبل از فعل اصلی و بعد از have و has و یا در آخر جمله می آید.

She hasn't written to me recently.

I have been very busy lately.

علامت های دیگر



۱- کلیه کلمات یا عبارت‌هایی که به معنی "تاکنون" میباشند جزء علایم ویژه ماضی نقلی محسوب میشوند.

so far, up to now/the present time, until now/the present time

We have had no trouble with our television set so far. (up to now)

We have completed 17 lessons so far.

۲- با عبارت‌های **It's the first time, this is the first time** ماضی نقلی بکار می‌رود.

This is the first time he has driven a car. (not: drives)

Is this the first time you've been in hospital?

۳- باکلمات **this week , today , this morning (evening) this term**

هنگامی که این دوره های زمان در زمان صبحت گوینده تمام نشده باشند، ماضی نقلی بکار می رود.

I've smoked 10 cigarettes today.

امروز ده نخ سیگار کشیده ام. (شاید قبل از اینکه امروز به آخر برسد سیگار بیشتری بکشم).

Has Ali had a holiday this year?

۴- جملات حال کامل برای بیان کارهایی که از گذشته تا حال تکرار شده به کار می روند، بنابراین گاهی قیود تکرار (**Adverbs of**

Frequency) یا تعداد دفعات تکرار عملی می تواند نشانه ماضی نقلی باشند.

some times , never , always ,: قید تکرار

once, twice, three, times, several times ,: تعداد دفعات

Ail has watched TV every night this week.

I have visited the zoo several times.

۵- علامت های دیگری که معنای گذشته تا حال را دارند و می توانند علامت ماضی نقلی باشند عبارتند از :

as yet, over, for the last

As yet we haven't made any plans for our holidays.

تا حالا نقشه ای برای تعطیلاتم نکشیده ام .

The car payments have been extended over two- year period.

پرداخت پول ماشین بیش از دو سال ادامه داشت .

چند نکته

۱- الگوی زیر نیز برای بیان مدت زمان از گذشته تا حال بکار می رود ولی زمان جمله ماضی نقلی نیست.



جمله گذشته ساده یا قید گذشته + دوره زمان + IT + be

It is 3 years since I saw her . (since last Friday)

۲- زمان حال کامل درجملات وصفی بعد ازصفات عالی، اعداد ترتیبی، the only, the first به کارمی رود در این حالت جمله اصلی زمان حال است .

This is the first time she has been to shiraz .

اولین باراست که به شیراز مسافرت کرده .

Would rather + گذشته + فاعل

I'd rather you gave me 1000 Tomans in notes.

ای کاش شما اسکناس ۱۰۰۰ تومانی به من می دادید .

Moradian Fard

فردینج بوبک
تلاشی در مسیر موفقیت



افعال مرکب، افعال عبارتی یا Phrasal Verbs



بسیاری از اوقات در زبان انگلیسی به همراه یک فعل از حرف اضافه نیز استفاده می شود که برخی از آنها افعال چند بخشی جدا شدنی و برخی دیگر افعال چند قسمتی جدا نشدنی هستند، به این گونه افعال افعال مرکب یا افعال چند بخشی (Phrasal Verbs) می گویند.

افعال چند بخشی جدا نشدنی (Inseparable phrasal verbs)

در صورتی که جز دوم افعال چند کلمه ای، حرف اضافه باشد و فعل جزء افعال لازم (intransitive verbs) باشد، اسم یا ضمیر همیشه باید بعد از حروف اضافه بیاید. ساختار کلی افعال جدا شدنی به شکل زیر است:

V + Preposition + Object / Objective Pronouns

مثال: Count on sb/sth روی کسی یا چیزی حساب کردن

You should **count on** your family to help you.

برای کمک تو باید روی خانواده ات حساب کنی.

Cut back (on sth) کمتر مصرف کردن

In order not to become fat, you should **cut back on** fast food.

برای اینکه چاق نشوید شما باید کمتر غذای حاضری مصرف کنید.

He **fell off** the ladder.

او از نردبان سقوط کرد.

Hurry up! Get in the car.

عجله کن! سوار ماشین شو.

در مثال های بالا به این دلیل که افعال ترکیبی جزء افعال لازم می باشند حروف اضافه به ترتیب off و in قبل از اسم بکار رفته اند.

افعال چند بخشی جدا شنی (Separable phrasal verbs)

اگر مفعول به صورت اسم باشد می توانیم آن (اسم) را هم قبل از حرف اضافه بکار ببریم و هم بعد از حرف اضافه، ولی اگر مفعول به صورت ضمیر

مفعولی مثل (him, her, the, us...) باشد حتما باید آن را قبل از حرف اضافه بکار ببریم.

نکته: برخی از دستور نویسان، قسمت دوم افعال جدا شنی را particle یا جز فعل می نامند.

ساختار کلی افعال جدا شنی به شکل زیر است:

1- Verb + O + particle

2- Verb + pronoun + particle

3- Verb + particle + Object

مثال:

Please **turn** the light **off**. / Please **turn off** the light. / Please turn **it** off.

لطفا چراغ را خاموش کن.

همانطور که مشاهده می کنید چون مفعول (the light) به صورت اسم است ما می توانیم آن را هم بعد از حرف اضافه استفاده کنیم و هم قبل از حرف اضافه.

The TV is bothering me, Please turn it off.

همانطور که می بینید در این مثال ما از یک ضمیر استفاده کردیم و باید آن را فقط قبل از حرف اضافه استفاده کنیم.

Cheer sb up / کسی را خوشحال کردن

He was sad so I held a party to **cheer** him **up**

او غمگین بود به همین دلیل من یک مهمانی برگزار کردم که او رو خوشحال کنم.

Let sb down / کسی را نا امید کردن

We must win this game, let's not **let** our fans **down** this time

ما باید این بازی را ببریم، بیاین این بار هوادارانمان را نا امید نکنیم.

Writing



در این درس، فقط به فاعل یا مفعولی که از نوع gerund یا اسم مصدر باشد، اشاره شده است. ولی برای درک مطلب بیشتر، بهتر است انواع

فاعل و مفعول را بشناسید.

✚ Examples of **gerunds or gerund phrases** used as the **subject**:

Singing is one of my hobbies.

Running is good exercise.

Watching television does not burn many calories.

✚ Examples of **gerunds or gerund phrases** used as **direct objects**:

I enjoy cooking with my mom.

Mark likes playing on the team.

The teacher appreciated my trying the math problem.

✚ Examples of **gerunds or gerund phrases** used as **objects of the preposition**:

Leslie got into trouble for talking to Sarah.

Have you ever read a book about riding a bike?

Upon finding a piece of glass on the floor, Jan called the teacher.

✚ Examples of **gerunds or gerund phrases** used as **predicate nouns**: (subject complements)

A good career for me might be nursing.

My favorite pastime is reading books.

The most fun I had on the trip was swimming in the ocean.



کاربرد دو فعل پشت سر هم

نکته: هر گاه دو فعل در زبان انگلیسی پشت سر هم قرار بگیرند، فقط فعل اول تغییرات زمانی را می پذیرد و فعل دوم بسته به فعل اول یکی از سه حالت زیر را می پذیرد.

۱- ing form همان اسم فعل یا اسم مصدر (gerund) است و زمان ندارد. بنابراین در تغییرات زمان جمله، تغییر شکل نمی دهد. و با آوردن not قبل از آن، منفی می شود.

- 1- I enjoy working hard.
- 2- I enjoyed working hard.
- 3- I enjoy not working hard.

(gerund) فعل ing دار + فعل اول - ۱

مانند فعلهای زیر:

stop	متوقف کردن	mind	اهمیت دادن	dislike	دوست نداشتن
finish	تمام کردن	continue	ادامه دادن	delay	به تاخیر انداختن
admit	پذیرفتن	appreciate	قدردانی کردن	avoid	انکار کردن
consider	در نظر گرفتن	deny	انکار کردن	enjoy	لذت بردن
imagine	تصور کردن	keep	ادامه دادن	quit	خارج شدن
admire	تحسین کردن	suggest	پیشنهاد دادن	miss	از دست دادن
risk	خطر کردن	forgive	بخشیدن	involve	گرفتار کردن
hate	نفرت داشتن	practice	تمرین کردن	prevent	مانع شدن
recall	به یاد آوردن				

و اصطلاحات زیر:

It's no use فایده ای ندارد a waste of time اتلاف وقت است It's (not) worth ارزشی ندارد

- It's no use crying over the spilt milk.

(gerund) فعل ing دار + حروف اضافه - ۲

بعد از حروف اضافه، اسم مصدر (ing) می آید. مهم ترین حروف اضافه عبارتند از:

about, at, in, on, for, with, by, between, from, without, against,

- 1- I am interested in swimming.

حالت مصدر با to بعد از فعل اول در درس ۳ مورد بررسی قرار می گیرد.

“Lesson 3”

The Power of Art

قدرت هنر

توجه: هدف اصلی از به اشتراک گذاری این مجموعه از جزوه ها، کمک به دانش آموزان در تعطیلات اجباری اسفند ماه ۹۸ است. اما متأسفانه در این جزوه ها به دلیل کمبود وقت، گاهی از مثال ها و تستهای تعدادی از کتابهای موجود در بازار استفاده شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تست و مثالهای جدید جایگزین میشوند. همچنین در نسخه های اصلی، منابع استفاده شده حتماً ذکر شده و جنبه امانت داری کاملاً رعایت خواهد شد.

"با تشکر فراوان"

So, blessed be Allah, the best to create. “The Believers, 14”

بزرگ است خدایی که بهترین خلق کنندگان است. (سوره مؤمنون آیه ۱۴)

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم *Key Words of Vision Two (Lesson Three)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
accept	قبول کردن، پذیرفتن	choice	انتخاب
according to	بر طبق، بر اساس	clothing	پوشاک
achieve	بدست آوردن	collection	مجموعه
actually	واقعاً	combination	ترکیب
advice	نصیحت، پند - اعلامیه، آگاهی	combine	ترکیب کردن
agree	موافقت کردن	conditional	شرطی
amazed	حیران، متعجب	confuse	گیج کردن
amused	سرگرم	confused	گیج
antonym	متضاد	confusing	گیج کننده
appreciate	ارج نهادن، قدر...دانستن	craft	مهارت، فن - صنعت
arrow	فلش، تیر، پیکان	craftsman	صنعتگر(مرد)، هنرمند
art	هنر	craftswomen	صنعتگر(زن)، هنرمند
artifact	دست ساز، مصنوعی	create	خلق کردن
artistic	هنرمندانه، هنری	creative	ابتکاری، خلاقانه
artwork	کار هنری	creator	خالق، آفریننده
ashamed	شرمنده، خجالت زده	customer	مشتری، خریدار
at least	حداقل	custom	رسم، آیین
attempt	تلاش کردن، سعی، کوشش	decide	تصمیم گرفتن
attitude	نگرش	decorative	تزئینی
beauty	زیبایی	decrease	کاهش یافتن
be able to	قادر بودن، توانستن	depend on	بستگی داشتن
bite	گاز گرفتن	depressed	افسرده
bleed	خون ریزی کردن	discount	تخفیف
blow	وزیدن - دمیدن، ضربت	diversity	تنوع، گوناگونی
booklet	دفترچه، کتابچه	draw	نقاشی کشیدن. طراحی کردن
bored	خسته، کسل	earn	به دست آوردن، کسب کردن
bow	تعظیم کردن	economy	اقتصاد
brain	مغز	education	آموزش، تحصیل
calligraphy	خوشنویسی	especially	به ویژه، مخصوصاً
carpet	فرش	essay	مقاله، انشاء - تحقیق
catch	گرفتن، به چنگ آوردن	excited	هیجان زده
charity	خیریه	expect	انتظار داشتن، توقع داشتن
cheap	ارزان	face	مواجه شدن، روبرو شدن - صورت، چهره
cheerful	مسرور، خوشحال	fall	پائیز - افتادن، سقوط کردن

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم *Key Words of Vision Two (Lesson Three)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
farming	کشاورزی	income	درآمد
fingerprint	اثر انگشت	instead	به جای ، در عوض
finish	پایان یافتن	interested in	علاقمند به
forget	فراموش کردن	introduce	معرفی کردن
forgive	بخشیدن ، عفو کردن	item	شی، چیز، فقره
former	قبلی ، پیشین	learn	یاد گرفتن
fortunate	خوش شانس	lend	قرض دادن
frighten	ترساندن	Look out!	مراقب باش!
frightened	ترسیده	lovely	دوست داشتنی، صمیمی
frightening	ترسناک	lucky	خوش شانس
gallery	گالری	machine	دستگاه - ماشین
get along with	تفاهم داشتن، سازش کردن	market	بازار
get back	برگشتن	material	ماده ، جنس
glad	خوشحال ، شاد	meaning	معنا، معنی
golden	طلایی	metal	فلز، فلزی
go well	خوب پیش رفتن	metalwork	فلزکاری
greeting	سلام و احوالپرسی	miss	دلنگ شدن،
handicrafts	صنایع دستی	mistake	اشتباه، خطا، غلط
hand-made	دستی، دست ساز	moral	اخلاقی، معنوی - معنی، مفهوم
handshake	دست دادن	nearby	حوالی، نزدیکی
hang	آویزان کردن، آویختن	object	چیز ، شی - مفعول
helpful	مفید ، یاری رسان	opposite	مخالف، ضد
hide	پنهان کردن ، مخفی کردن	opposition	تناقض ، مخالفت، دشمنی ، تقابل
history	تاریخ، تاریخچه - سابقه، پیشینه	painting	نقاشی
homeland	وطن، سرزمین	palm	کف دست - درخت خرما
hopeful	امیدوار	pass	قبول شدن
How touching!	چقدر تاثیر گذاره	pleasure	مسرت، خوشی، خوشحالی
hug	در آغوش گرفتن	poem	شعر
humankind	بشر، انسان	poet	شاعر
identity	هویت - شناسایی، یگانگی، اصلیت	poetry	شعر و شاعری
imagination	تصور، خیال	pool	استخر
include	شامل شدن، در برداشتن	pottery	سفالگری، کوه گری، ظروف سفالی
including	از جمله ، شامل	power	قدرت، توان
infinitive	اسم مصدر	price	قیمت، بها

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم *Key Words of Vision Two (Lesson Three)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
prize	جایزه	sociable	خوش مشرب، اجتماعی (انسان)
produce	تولید کردن	soft	نرم، ملایم
product	محصول	southwest	جنوب غربی
promise	قول دادن	souvenir	سوغاتی، یادگاری
proud	سربلند - مغرور - مفتخر	store	مغازه، ذخیره کردن، انبار کردن
public	عمومی، همگانی	strategy	راهکار، رویه، استراتژی
quickly	به سرعت	successful	موفق
quiet	ساکت، آرام	surprised	متعجب، شگفت زده
quilt	ملافه، روتختی	surprising	تعجب برانگیز
quit	ترک کردن، رها کردن	swing	تاب خوردن، چرخیدن - نوسان
quite	نسبتاً، کاملاً	throw	پرتاب کردن، انداختن، پرتاب
range	طیف، محدوده، حوزه، ناحیه، گستره	tile	کاشی، سفال، موزائیک
recognize	شناختن، دانستن - قدردانی کردن از	tilework	کاشی کاری
refer	رجوع کردن به، اشاره کردن	tired	خسته، بی رمق - بیزار
reference	مرجع، مأخذ، منبع، مراجعه، رجوع	totally	به طور کامل
reference word	کلمه ارجاع	touch	لمس کردن - تحت تاثیر قرار دادن
reflect	منعکس کردن، انعکاس دادن	traditional	سنتی
remember	به یاد داشتن، به یاد آوردن	truth	حقیقت، راستی، درستی
respectful	محترم، با شخصیت	ugly	زشت - بد ریخت
result	نتیجه، پیامد، حاصل، اثر	uncertain	نامعین، نامطمئن
rise	بالا آمدن، افزایش یافتن	unique	منحصر به فرد، خاص
rug	قالی، قالیچه	valuable	با ارزش
sadly	متأسفانه، بدبختانه	value	ارزش نهادن، ارزش گذاشتن به...
satisfied	راضی، خوشنود	vast	بزرگ، وسیع
science	علم، علوم، دانش	wait	منتظر ماندن
shared	مشترک، اشتراکی	want	خواستن
shocked	شوکه	weave	بافتن
shut	بستن، تعطیل کردن	well-known	مشهور، معروف
silk	ابریشم	well done	بسیار عالی - آفرین
silver	نقره	wellness	سلامتی - بهداشت - خوشبختی
sink	غرق شدن، نزول کردن، رسوخ	What...for?	برای چه
site	مکان، جا، سایت	workshop	کارگاه
skillful	ماهر	worry about	نگران بودن درباره

سایر لغات مهم درس سوم پایه یازدهم *Other Key Words of Vision Two (Lesson 3)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
radiation	تابش، پرتو، تشعشع، رادیواکتیویته	insect	حشره
deeply	عمیقاً	exact	دقیق، کامل، صحیح، عیناً
private	خصوصی	earthquake	زلزله
crime	جرم، جنایت	refuse	نپذیرفتن، رد کردن
knee	زانو	unemployment	بیکاری
countryside	حومه شهر	pain	درد، رنج، محنت، درد کشیدن
regularly	منظم، مرتباً	difficulties	مشکلات
crossroad	چهار راه، تقاطع	pack	بسته بندی کردن، بسته
mathematics	ریاضیات	inflexible	غیر قابل انعطاف
geography	جغرافی	task	وظیفه، مسئولیت، تکلیف
sunshine	نور آفتاب	processing	پردازش، به جریان انداختن
heat	درجه حرارت	delay	به تأخیر انداختن - تأخیر، درنگ، تعلل
storm	طوفان، کولاک - یورش بردن	reasonable	معقول، مناسب
thunder	رعد و برق، تندر	strength	استحکام، قدرت
statement	اظهار، بیان، گفته	remove	برداشتن، انتقال دادن، حذف کردن
government	دولت	separate	جدا کردن
blame	مقصر دانستن - سرزنش کردن	probable	محتمل، احتمالی
performer	مجری، اجرا کننده، بازیگر، ایفا کننده	ran out of	فرار کردن
require	نیاز داشتن	ground	زمین، میدان، محوطه - کف زمین
insist on	اصرار کردن، پا فشاری کردن بر روی	wonder	تعجب کردن، با خود اندیشیدن
confidence	اعتماد، اطمینان	passenger	مسافر، عابر
aware	آگاه، مطلع، با خبر	bakery	نانوایی
refrigerator	یخچال	nutrient	مواد مغذی

تلاشی در مسیر موفقیت

Conversation

A conversation between Reza and a tourist.

مکالمه ی بین رضا و یک گردشگر

Reza: How can I help you, sir?

رضا: چطور می تونم به شما کمک کنم، آقا؟

Tourist: I am looking for some Iranian handicrafts.

گردشگر: من به دنبال تعدادی صنایع دستی ایرانی هستم.

Reza: Here you can find a range of Iranian hand-made products, from carpets to pottery and tilework, but we don't sell metalwork.

رضا: این جا می تونید طیفی از محصولات دست ساز ایرانی را پیدا کنید. از فرش (گرفته) تا سفال و کاشی کار شده، اما کارهای فلزی نمی فروشیم.

Tourist: I'd like to buy a Persian carpet, but it seems too expensive.

گردشگر: من دوست دارم فرش ایرانی بخرم، اما به نظر می رسه بیش از حد گرون باشه.

Reza: The price depends on its size. Instead, you can take an Isfahan Termeh or a Qashqai Gabbeh.

رضا: قیمت بستگی به اندازه اش داره به جای آن، می تونید ترمه ی اصفهان یا گبه ی قشقایی بردارید.

Tourist: Wow! How touching this Gabbeh is! How much is it?

گردشگر: وای، این گبه چقدر تاثیر گذاره! قیمت اون چقدره؟

Reza: It is 85 dollars. If you buy more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount. You can take this calligraphic tile for only 30 dollars.

رضا: اون ۸۵ دلار. اگر بیش تر از ۱۰۰ دلار بخرید، ۲۰ درصد تخفیف خواهید گرفت. شما می توانید این کاشی خوشنویسی شده رو فقط ۳۰ دلار بردارید.

Tourist: Well, I'll take both. Please pack them for me.

گردشگر: خُب ، من هر دو رو بر می دارم. لطفا اونا رو برای من بسته بندی کنید.

Reza: Yes, sure.

رضا: بله ، حتما.

Tourist: Do you work for this shop? Who has made these beautiful items?

گردشگر: آیا شما برای این فروشگاه کار می کنید؟ چه کسی این اشیاء زیبا رو ساخته؟

Reza: Actually, it is my father's workshop and store. I work here after school. All my family members work here to help our family business.

رضا: در واقع، اینجا کارگاه و فروشگاه پدر منه. من بعد از مدرسه این جا کار میکنم. همه ی اعضای خانواده ی من برای کمک به کسب و کار خانواده این جا کار می کنند.

Tourist: Well done! How lucky you are to work in such a lovely shop. I really appreciate the culture and art of Iran.

گردشگر: آفرین! شما چقدر خوش شانس هستید که در چنین فروشگاه قشنگی کار میکنید. من واقعا فرهنگ و هنر ایرانی ارج می نهم.

Reza: Thank you very much. If you are interested in knowing more about our products, you can check this booklet.

رضا: خیلی متشکرم. اگه علاقمندی که بیشتر در مورد محصولات ما بدانید، میتونید این کتابچه (راهنما) رو مطالعه کنی.

Notes:

تلاشی در مسیر موفقیت

Reading

Art, Culture and Society

Art is what people create with imagination and skill. As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society. In fact, the history of humankind is the history of art. If we want to know a country or a nation well, we should study its art.

هنر چیزی است که افراد با تخیل و مهارت خلق می کنند. آن، به عنوان بخشی از فرهنگ، روش زندگی و هویت ملت را نشان می دهد و تاریخ و جامعه را منعکس می کند. در حقیقت، تاریخ بشریت تاریخ هنر است. اگر ما بخواهیم یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم، باید هنر آن را مطالعه کنیم.

Handicrafts are good examples of the art and culture of a country. By handicrafts, we mean making decorative items in a skillful way using our hands. Each country and culture has its own handicrafts.

صنایع دستی مثال هایی خوب از هنر و فرهنگ یک کشور هستند منظور از صنایع دستی، ساختن اشیاء تزئینی به روشی ماهرانه با استفاده از دست هایمان است. هر کشور و فرهنگ صنایع دستی خودش را دارد.

Making and selling handicrafts are good ways to help a country's economy and introduce its culture to other nations. Many people of the world produce handicrafts and sell them to tourists. In some Asia countries a part of the country's income comes from making and selling handicrafts.

ساختن و فروختن صنایع دستی روش های خوبی برای کمک کردن به اقتصاد کشور و معرفی کردن فرهنگش به ملت های دیگر هستند. بسیاری از مردم دنیا صنایع دستی تولید می کنند و آنها را به گردشگر ها می فروشند. در بعضی از کشور های آسیایی بخشی از درآمد یک کشور از درست کردن و فروختن صنایع دستی (به دست) می آید.

Iran has a five-thousand-year-old history of artistic works and handicrafts including pottery, painting, calligraphy, rugs and carpets, etc. If you travel across Iran, you'll get back home with excellent handicrafts as souvenirs for your family and friends.

ایران تاریخ پنج هزار ساله از آثار هنری و صنایع دستی شامل سفال، نقاشی، خطاطی، قالیچه، فرش و غیره دارد. اگر در سراسر ایران سفر کنید، با صنایع دستی عالی به عنوان سوغاتی برای خانواده و دوستانتان به خانه بر می گردید.

Iranian art is also quite famous all around the world. There are very excellent collections of Persian art in many important museums of the world. If we want to name countries with richest art and cultural diversity, Iran is among them. Persian art is famous in the world for reflecting moral and social values of Iranian people and the natural beauty of this vast country.

هنر ایرانی هم چنین در سرتاسر دنیا کاملاً معروف است. در تعداد زیادی از موزه های مهم دنیا کلکسون های خیلی عالی از هنر ایرانی وجود دارد. اگر بخواهیم کشورهایی با غنی ترین تنوع هنر و فرهنگ را نام ببریم، ایران از جمله ی آنها است. هنر ایران به

خاطر منعکس کردن ارزش های معنوی و اجتماعی مردم ایران و زیبایی طبیعی این کشور، به نام معروف است.

Iranian craftsmen and craftswomen are famous for producing very unique artworks from wood, metal and other simple materials around them. Many people of the world appreciate the art and skill of a young Iranian girl who weaves a beautiful silk carpet in a small village of Azarbaijan or Kordestan. When tourists buy Persian rugs or carpets, they take a part of Iranian art and culture to their homelands.

استادکاران مرد و زن ایرانی به خاطر تولید کردن آثار هنری خیلی منحصر به فرد از چوب، فلز و مواد ساده ی دیگر در دور و اطرافشان، معروف هستند. بسیاری از مردم دنیا قدر هنر و مهارت یک دختر جوان ایرانی که یک فرش ابریشمی زیبا را در یک روستای کوچک در آذربایجان یا کردستان می بافد، را می دانند. وقتی گردشگرها قالیچه یا فرش های ایرانی را می خرند، بخشی از هنر و فرهنگ ایرانی را به مهین شان می برند.

Notes:



گرامر درس سوم: جملات شرطی (Conditional Sentences):

این نوع از جملات ، جملات مرکبی هستند که در آنها انجام یک عمل مشروط به انجام کاری دیگری میباشد.

ساختار کلی جملات شرطی: جمله شرط **if** جواب شرط → جواب شرط , جمله شرط **if** همانطور که ملاحظه می نمائید میتوان جواب شرط را به ابتدای جمله منتقل کرد و در این حالت برای معنای جمله مشکلی پیش نخواهد آمد و تنها ویرگول حذف میشود.

انواع جملات شرطی: ۱- شرطی نوع اول ۲- شرطی نوع دوم ۳- شرطی نوع سوم ۴- شرطی نوع صفر در سال یازدهم فقط به جملات شرطی نوع اول اشاره شده است.

۱- **جملات شرطی نوع اول:** در جملات شرطی نوع اول، جمله شرط در زمان حال ساده و جواب شرط در زمان آینده ساده خواهد بود. یعنی عملی را نشان میدهد که به شرط انجام کار دیگری احتمال دارد در آینده انجام شود.

زمان آینده ساده , زمان حال ساده

If you study more, you will learn a lot. → You will learn a lot **if** you study more.
حال ساده آینده ساده آینده ساده حال ساده

نکته ۱: در جواب شرط به جای **will** میتوان از شکل اول افعال ناقص (can, may , should must, have to, has to) استفاده کرد.

If you don't go now, you may miss the train.

سؤالی کردن جملات شرطی: برای این منظور، جواب شرط را سؤالی میکنیم:

Will you stay home **if** it rains in the afternoon?

نکته ۲: در جملات شرطی نوع اول میتوان جواب شرط را برای اشاره به توصیه کردن، پیشنهاد دادن یا دستورالعمل به صورت امری بیان کرد:

یادآوری: جملات امری با شکل ساده فعل شروع شده و با don't منفی میشوند:

If Mr. Amini **comes** here, **tell** him that I'm not at home.

جمله امری

نکته ۳: اگر بخواهیم قصد انجام عملی را در آینده بیان کنیم، در جواب شرط، به جای **will** میتوان از ساختار **be going to** استفاده کرد:

If Kamran **wins** the competition, he **is going to invite** us to dinner next Friday.

نکته ۴: در جمله شرط به جای زمان حال ساده میتوان از زمانهای حال استمراری برای اشاره به عملی که هم اکنون در حال انجام میباشد و زمان حال کامل برای اشاره به عملی که در گذشته انجام شده و اثر و نتیجه آن باقی مانده باشد، هم استفاده کرد:

If you **are studying** your final exams, you **shouldn't use** your cell phone.

حال استمراری

If he **has written** the letter, I'll **post** it soon.

حال حامل

نکته ۵: بعد از **if** در جمله شرط هرگز **will** و یا **would** بکار برده نمیشود.

افعال بسیار مهم زیر :

چنانچه **ed** بگیرند تبدیل به صفت مفعولی برای انسان میشوند. (در این حالت اثر و نتیجه و احساس انسان به چیزها یا آدمها را نشان میدهند. این صفات اثر پذیر هستند.)

چنانچه **ing** بگیرند تبدیل به صفت فاعلی برای غیر انسان میشوند. (در این حالت احساس یا حالتی را ایجاد میکنند.)

معنی	صفت فاعلی (ing)	معنی	صفت مفعولی (ed)	معنی	فعل
سرگرم کننده	amusing	سرگرم	amused	سرگرم کردن	amuse
ناراحت کننده	annoying	ناراحت	annoyed	ناراحت کردن	annoy
خسته کننده	tiring	خسته	tired	خسته کردن	tire
کسل کننده	boring	کسل	bored	کسل کردن	bore
آرام بخش	comforting	آرام	comforted	آرام کردن	comfort
گیج کننده	confusing	گیج	confused	گیج کردن	confuse
قانع کننده	convincing	قانع	convinced	قانع کردن	convince
غم انگیز	depressing	غمگین	depressed	غمگین کردن	depress
نا امید کننده	disappointing	نا امید	disappointed	نا امید کردن	disappoint
خجالت آور	embarrassing	خجالت زده	embarrassed	خجالت زده کردن	embarrass
ترغیب کننده	encouraging	ترغیب شده	encouraged	ترغیب کردن	encourage
هیجان انگیز	exciting	هیجان زده	excited	هیجان زده کردن	excite
ترسناک	frightening	ترسیده	frightened	ترساندن	frighten
جالب	interesting	علاقمند	interested	علاقمند کردن	interest
راضی کننده	satisfying	راضی	satisfied	راضی کردن	satisfy
شوکه کننده	shocking	شوکه	shocked	شوکه کردن	shock
غافلگیر کننده	surprising	غافلگیر	surprised	غافلگیر کردن	surprise
نگران کننده	worrying	نگران	worried	نگران کردن	worry

The children are **excited** because the cartoon is **exciting**.

انسان

غیر انسان

The students were **amused** because the lesson was **amusing**.

انسان

غیر انسان

Our grandma told us an **interesting** story.

غیر انسان

The computer had **confusing** instructions that all of us became **confused**.

غیر انسان

انسان

نکته ای بسیار مهم (زبان تخصصی): صفت مفعولی (ed دار) را فقط برای توصیف انسان (کلاً موجودات زنده) بکار میبریم

اما صفت فاعلی (ing دار) هم برای توصیف اشیاء و هم برای موجودات زنده کاربرد دارد:

I'm **interested** in physics because I think physics is **interesting**.

غیر انسان

My brother is an **interesting** person. All his jokes are really funny.

مصدر با to (infinitive):

چنانچه شکل ساده یا ریشه فعل علامت مصدری to بگیرد، تبدیل به مصدر با to میشود:

to go - to see - to walk - to study - to work - to play

محل مصدر با to در جمله:

۱- در حالت عادی چنانچه جمله ای دارای دو فعل باشد معمولاً فعل دوم جمله بصورت **مصدر با to** خواهد بود. (به غیر از استثناء

های درس دوم) فعل دوم در نقش مفعول برای فعل اول عمل میکنند: She decided **to learn** Spanish carefully.

فعل دوم فعل اول (گذشته ساده)

نکته: در این حالت تمامی تغییرات زمانی تنها بر روی **فعل اول** جمله روی خواهد داد و همواره فعل دوم بدون تغییر (بصورت مصدر با to) باقی خواهد ماند:

She decides **to learn** Spanish carefully.

فعل دوم فعل اول (حال ساده)

She has decided **to learn** Spanish carefully.

فعل دوم فعل اول (حال کامل)

۲- چنانچه بعد از کلمات استفهامی Wh دار بلافاصله فعلی بیاید آن فعل همواره بصورت مصدر با to خواهد بود:

I don't know **where to buy** a nice shirt.

مصدر با to کلمه wh دار

۳- بعد صفات چنانچه فعلی بیاید آن فعل همواره بصورت **مصدر با to** خواهد بود:

He was very **careful to look** both ways when he crossed the road.

مصدر با to صفت

مهمترین صفاتی که معمولاً بعد از آنها **مصدر با to** می آید عبارتند از:

معنی	صفت	معنی	صفت	معنی	صفت
بی دقت	careless	متاسف	sorry	خوشحال	happy
ترسیده	afraid	ممنوع	forbidden	امن - ایمن	safe
خوشحال	happy	نگران	anxious	متعجب	surprised
مناسب	suitable	خوش شانس	lucky	خوب	good
آسان	easy	مغرور	proud	مهم	important
غمگین	sad	مراقب	careful	مطمئن	certain
خوش شانس	fortunate	خطرناک	dangerous	غمگین	upset
آماده	ready	هیجان زده	amazed	شرمنده	ashamed
مشتاق	willing	سخت - مشکل	difficult	سخت	hard

۴- در ابتدای جمله در نقش فاعل:

To learn a foreign language is difficult.

To ride a horse can be interesting.

اما در زبان انگلیسی بیشتر به جای مصدر با to در ابتدای جمله از اسم مصدر (فعل ing دار) استفاده میکنیم.

Riding a horse can be interesting.

Learning a foreign language is difficult.

۵- در ساختار بسیار بسیار مهم:

It + to be + صفت + (for + مفعول) + to مصدر با ...

It was really difficult (for my students) to answer all the questions correctly.

مصدر با to مفعول صفت فعل to be

۶- برای بیان مقصد و منظور (هدف و قصد):
My father borrowed some money to buy that house.

(زبان تخصصی): برای بیان منظور میتوان از **in order to** و **so as to** به معنی به منظور یا تا اینکه هم استفاده کرد:

She went to the library so as to / in order to study my lessons.

۷- بعد از too (بیش از حد - خیلی) به همراه صفت: (too به تنهایی جمله را منفی میکند)

That table was too heavy (for him) to move.

مصدر با to صفت

۸- بعد از enough (کافی) به همراه اسم:

Raman don't have enough money to buy that bicycle.

مصدر با to اسم

۹- (منحصراً زبان) به عنوان متمم فاعل:

My favorite hobby is to read novels

متمم فاعل فاعل

۱۰- چنانچه بعد از ساختار مجهول فعل دیگری بیاید آن فعل همواره بصورت **مصدر با to** خواهد بود. (در درس یکم سال دوازدهم با ساختار جملات مجهول آشنا خواهیم شد):

They were forced to leave the class quickly.

مصدر با to ساختار مجهول

۱۱- بعد از مرتبت اعداد: **the third, the second, the first, the last,...** و نیز بعد از **the only** و صفات عالی

Alfred is always the last student to come to class.

مصدر با to مرتبت اعداد

نکته: برای منفی کردن مصدر با to باید قبل از علامت مصدری to قید منفی ساز **not** را اضافه کنیم:

The students promised not to make a lot of mistakes.

نکته: مواظب باشیم که حرف اضافه to که قبل از اسم بکار برده میشود را با علامت مصدری to که قبل از شکل ساده فعل میآید، اشتباه نگیریم:

I want to tell you something about my plan.

علامت مصدری to

They usually go to school by bus.

حرف اضافه

نکته ای مخصوص کنکور منحصراً زبان: بعد از افعال زیر فعل هم بصورت مصدر با to و هم بصورت **ing** دار میآید:

like - love - hate - prefer - begin - start - intend - continue - remember - stop - need

کلمات متضاد *Antonyms*

کلمات متضاد کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم ضد و مخالف یکدیگر هستند و چنانچه در جمله ای به جای کلمه ای از متضاد آن استفاده کنیم معنی جمله بر عکس میشود.

گاهی دو لغت متضاد ممکن است دو شکل متفاوت داشته باشند مثلا لغات beautiful و ugly. این دو لغت شکلشان کاملا با یکدیگر متفاوت است. گاهی هم دو لغت متضاد با افزودن پیشوند prefix یا پسوند suffix به یک لغت ساخته می شوند. برای مثال دو لغت متضاد useful و useless که با اضافه کردن پسوندهای -ful و -less به کلمه ساخته شده اند

یادگیری متضادها هم مانند یادگیری لغات مترادف به شما کمک می کند تا دایره لغات خود را گسترش دهید. البته در آزمونها به طور مستقیم از متضادها سوال طراحی نمی شود اما با یادگیری آنها می توانید معانی بسیاری از لغات ناآشنایی که در متن وجود دارد را حدس بزنید.

تعدادی از مهمترین کلمات متضاد پایه، سال دهم و یازدهم عبارتند از:

متضاد	معنی	کلمه	متضاد	معنی	کلمه
unbalanced	متوازن	balanced	disability	توانایی	ability
angry	خونسرد	calm	unavailable	در دسترس	available
birth	مرگ	death	lend	قرض گرفتن	borrow
increase	کاهش دادن	decrease	uncountable	قابل شمارش	countable
glad	ناراحت	depressed	live	مردن	die
disagree	موافق بودن	agree	disappear	ظاهر شدن	appear
uneducated	با سواد	educated	die	وجود داشتن	exist
boring	هیجان برانگیز	exciting	guest	میزبان	host
unhappy	خوشنود	satisfied	impossible	ممکن	possible
allow	ممنوع کردن	forbid	unluckily	خوش شانس	luckily
lose	به دست آوردن	gain	physical	ذهنی	mental
sick	سالم	healthy	written	شفاهی	orally
incomplete	کامل	complete	different	یکسان - مشابه	same
prevent	اجازه دادن	let	turn off	روشن کردن	turn on
fortunately	متاسفانه	sadly	harmful	مفید	useful
quickly	به کندی	slowly	truthful	صادق	honest
indirect	هدایت کردن	direct	huge	کوچک	tiny
patient	بی حوصله	impatient	send	دریافت کردن	receive
negative	مثبت	positive	powerful	ضعیف	weak
buy	فروختن	sell	careless	مواظب	careful

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
catch	گرفتن	miss	soft	نرم	hard
cheerful	شادمان	upset	traditional	سنتی	modern
wrong	اشتباه	correct	ugly	زشت	pretty
fall	افتادن	rise	warm	گرم	cold
former	پیشین	latter	wellness	سلامتی	illness
remember	به یاد آوردن	forget	worried	نگران	relaxed
rich	ثروتمند	cheap	accept	پذیرفتن	reject
safety	امنیت	risk	worthy	با ارزش	unworthy
simple	ساده	difficult	antonym	متضاد	synonym
paradise	بهشت	hell	far	دور	near
attack	حمله کردن	defend	simple	ساده	complicated
future	آینده	past	destroy	تخریب کردن	build
win	برنده شدن	lose	enhance	بالا بردن	reduce
agree	موافقت کردن	disagree	costly	پر هزینه	cheap
cheerful	شادمان	depressed	sure	مطمئن	uncertain

حروف ربط متضاد(زبان تخصصی):

حروف ربط حرفی هستند که از آنها برای وصل کردن جملات یا ربط دادن ساختار جملات استفاده میشود. گاهی در برخی از جملات پیش میآید که دو جمله از طریق حروف ربط تضاد یا علامت گذاری به همدیگر وصل میشوند. در چنین حالتی دو جمله که از این طریق وصل شدند (حروف ربط متضاد یا علامت گذاری) دو امر متضاد را نشان میدهند. حالا ممکن است در یکی از این جمله ها کلمه ای یا مفهومی وجود داشته باشد که برای شما نا آشنا باشد ولی جمله ی بعدی آن را کاملاً متوجه میشوید. چون این دو جمله با هم در تضاد هستند با دانستن لغات و مفهوم یکی از جمله ها می توانید لغات و مفهوم جمله ای که برایتان ناآشناست را به طور متضاد با لغت قبل معنی کنید. کلماتی که برای نشان دادن تضاد استفاده میشود شامل حروف ربط زیر هستند:

but - while - whereas - unlike - on the other hand - however - although

Notes:

Vocabulary Tests of Lesson 3 تست واژگان درس سه

1. In a trip to Isfahan, my father has bought a ----- pot for my sister. It looks really beautiful.
a. satisfied b. decorative c. available d. harmful
2. Africa is a big continent, but desert makes up ----- parts of it.
a. opposite b. moral c. emotional d. vast
3. After finishing my exam, my teacher seemed ----- with my progress.
a. moral b. handmade c. satisfied d. available
4. All of these beautiful plates are made by our skillful ----- in Yazd.
a. metals b. craftsmen c. researchers d. items
5. A lot of Iranian craftswomen have great skill to ----- a basket from some plants.
a. reflect b. promise c. weave d. expect
6. He is very special in some way. I think he is the most ----- student of this class.
a. unique b. careful c. lucky d. traditional
7. In our country Iran, it is the ----- for many people to celebrate New Year.
a. material b. custom c. range d. beauty
8. Every country has its own cultural -----, which is very different from other countries.
a. serving b. identity c. imagination d. artwork
9. The plane climbed quickly to a height of 30 000 feet. Quickly is an opposite to -----.
a. slowly b. fortunately c. hopefully d. actually
10. Modern technology has greatly helped ----- in many different areas.
a. reference b. material c. homeland d. humankind
11. There is a 25 percent ----- on all clothes until the end of the week.
a. relationship b. discount c. interest d. meaning
12. There is a wide ----- of opinion on the question of which team will win the match.
a. action b. heartbeat c. diversity d. economy
13. I'll call you if I finish my homework. "Finish" is an antonym for -----.
a. remember b. forget c. attempt d. start
14. Isfahan decorative ----- have attracted many tourists for many years.
a. exercises b. handicrafts c. collection d. patterns
15. Our university uses a combination of modern and ----- ways for teaching reading.
a. traditional b. vast c. valuable d. decorative
16. There's a valuable stamp ----- at the National Museum in Tehran.
a. custom b. collection c. pyramid d. pottery
17. My friend is a very skillful farmer. He gave me some ----- information for farming.
a. opposite b. valuable c. handmade d. well-known
18. Any decrease in tourism could have a serious effect on the local-----.
a. economy b. reference c. explanation d. discount
19. I didn't know anybody at the class, but the teacher ----- me to a few people.
a. reflected b. imagined c. expected d. introduced
20. The report shows that poor families spend a larger part of their ----- on food.

21. ----- a silk carpet may take more than a year for a craftswoman.
a. repeating b. packing c. reflecting d. weaving
22. We have decreased our involvement in children's books. The antonym of decreased is -----.
a. started b. preferred c. increased d. woven
23. Your job as a student ----- doing your assignment and attending classes regularly.
a. earns b. recognizes c. behaves d. includes
24. He put on a large hat and glasses and hoped no one could ----- him.
a. wait b. recognize c. reflect d. appreciate
25. We should not ----- the mistakes of the past and get lesson from them.
a. pack b. touch c. appreciate d. repeat
26. In her lifetime, she has produced lots of unique artworks from different -----.
a. members b. plans c. materials d. regions
27. I didn't know they're sisters. They're completely ----- to each other in every way.
a. happy b. shocked c. certain d. opposite
28. I was very lucky to get a cheap flight at the last minute. An antonym for "cheap" is-----.
a. happy b. free c. main d. expensive
29. This drug can be safely used in ----- with other medicines.
a. education b. combination c. protection d. suggestion
30. I was walking slowly in the dark street when he suddenly shouted at me and I got -----.
a. confused b. frightened c. bored d. amazed
31. I have no idea why some people take ----- in hunting and killing wild animals.
a. time b. photograph c. exam d. emotion
32. You must be very ----- of your son. He is one the best teachers that this city has ever had.
a. proud b. cheerful c. powerful d. satisfied
33. His good ----- is biology reflects that he has been studying carefully throughout the year.
a. notebooks b. marks c. problems d. opinions
34. We have planned some careful programs to ----- our goals by the end of this year.
a. draw b. understand c. achieve d. identify
35. After any large earthquake, most people look -----.
a. bored b. wonderful c. tired d. shocked
36. A lot of people are ----- to go the dentists. I don't know why.
a. confused b. frightened c. surprised d. shocked
37. My boss ----- me to finish his job today.
a. denies b. expects c. continues d. insists
38. We are ----- him to finish the job on Friday.
a. keeping on b. depending on c. thinking of d. going out
39. If I had to choose between fish and chicken, I'd ----- the former.

40. Anyone ----- joining the club should contact us at the address below.
a. interested in b. careful about c. responsible for d. influenced by
41. A book sometimes sells better if it has an introduction written by a ----- person.
a. traditional b. famous c. lucky d. calm
42. My ----- of books and magazines is nothing in comparison with that of a library.
a. collection b. production c. nation d. performance
- 43- The ----- of your citizens enabled the hospital to buy some more beds.
a. poverty b. charity c. energy d. imagination
- 44- Edison is one the most famous inventors in the history of science. "Famous" means -----.
a. clever b. successful c. well-known d. international
- 45- It was no surprise that she wasn't able to ----- me at first; after all, we hadn't met each other for a long time.
a. observe b. imagine c. recognize d. guess
- 46- The old man is very proud of the ----- of valuable stamps he has now available in his album.
a. tradition b. experience c. reality d. collection
47. The room was barely big enough to ----- everyone who came to the meeting.
a. invite b. contain c. produce d. prepare
48. Do you think decreasing the speed limit is a/an ----- means of lowering road accidents?
a. attractive b. decorative c. effective d. infinitive
49. She was forced to ----- early from teaching because of her special medical condition.
a. describe b. decide c. retire d. recite
50. Regional water shortages are causing problems and are ----- to become the cause of wars in the near future.
a. translated b. predicted c. discussed d. observed

Notes:

تست گرامر درس سه Grammar Tests of Lesson 3

1. You won't ----- to the theater on time if you ----- at six.
a. got - didn't have b. get - don't have c. got - don't have d. get - didn't have
2. It was a hard decision but at the end, I decided ----- to the university.
a. going b. goes c. went d. to go
3. It was dark in the room and she got ----- when he shouted at her suddenly.
a. surprised b. frightening c. surprising d. frightened
4. The police seem certain ----- the people who are responsible for the attack.
a. find b. finding c. found d. to find
5. I enjoyed ----- with my family at the lake last summer.
a. been b. being c. be d. to be
6. They didn't play well, but they were lucky ----- the match.
a. to win b. won c. of winning d. winning
7. If you ----- to bed early tonight, you ----- better in the morning.
a. went-will feel b. go- would feel c. go- will feel d. went- would feel
8. I wanted ----- it but it cost too much and I didn't have enough money.
a. to bought b. to buy c. buying d. for buying
9. He was getting ----- with doing the same thing every day.
a. boring b. surprised c. bored d. surprising
10. He is ashamed ----- his father that he didn't get a high grade in the exam.
a. telling b. tell c. told d. to tell
11. I live in England, so I have learned ----- English easily.
a. speak b. speaking c. spoke d. to speak
12. We ----- go to Paris on vacation next week if our parents ----- to travel by train.
a. might-agree b. my-agreed c. might-agrees d. may-agree
13. If I find a book that is popular among all children, I ----- it for my brother as a birthday present.
a. buy b. will buy c. bought d. would have bought
14. This program is completely new and I don't know how ----- it.
a. uses b. to use c. will use d. using
15. We couldn't go to that restaurant without ----- enough money.
a. have b. to have c. having d. had
16. It is a difficult job. I'm so ----- of doing the same job, day after day.
a. interested b. tiring c. interesting d. tired
17. We think about ----- to England. Instead, we have plans ----- travelling go France.
a. no to go- about b. not going-about c. not to go-for d. not going-for
18. Do you expect ----- this course? If so, you'd better work harder.
a. to pass b. pass c. passing d. that pass

19. I ----- poor people in the future if I ----- a doctor.
a. will help-became b. would help-become c. will help-become d. help-became
20. We were sorry ----- that your father isn't well. We hope he gets better soon.
a. hearing b. to hear c. of hearing d. hear
21. It was a long and dangerous journey. We were glad ----- home safely.
a. getting b. got c. that get d. to get
22. You haven't phoned me for a month. You promised ----- me every week.
a. to call b. called c. call d. calling
23. He is a sociable person. I believe he is fortunate ----- a lot of good friends.
a. of having b. to have c. have d. that have
24. Don't forget ----- Mahdi about going ----- tomorrow.
a. telling-swimming b. to tell-to swim c. telling- to swim d. to tell-swimming
25. Please, start your meal. If you ----- your soup now, it ----- cold.
a. didn't have - would go b. had - got
c. can eat - doesn't go d. don't have - will go
26. It was a nice day, so we decided ----- for a walk instead of ----- the TV.
a. going - watching b. to go - watch c. going - to watch d. to go - watching
27. If there ----- some nice fish in the supermarket, ----- you ----- some for dinner tonight?
a. had been - would/buy b. were - would/buy c. is - will/buy d. are - will/buy
28. I was very ----- at the result of exam when I saw that I got high grades.
a. tired b. surprising c. tiring d. surprised
29. Don't forget ----- all of the doors before you go to bed.
a. locking b. of locking c. lock d. to lock
30. We ----- go out today, if it ----- heavily.
a. can't-will rain b. can't-rains c. couldn't-will rain d. couldn't-rains
31. Just imagine ----- thirty in a vast desert and ----- no water. What will do to save your life.
a. to be-having b. being-having c. being-to have d. to be- to have
32. Did you remember ----- the doors before ----- the house?
a. locking-leaving b. locking-to leave c. to lock-leaving d. to lock-to leave
33. It is impossible ----- a poem.
a. that the memorizing b. that his memorizing
c. for him to memorize d. for him memorizing
34. After 10 hours of hard work, Tom did not look -----, so I let him go ahead and finish the job.
a. tired b. tiring c. to tire d. to be tiring
35. The man thought that it was absolutely important for every one in the hotel ----- the lobby as quickly as possible.
a. leave b. to leave c. who leave d. is leaving
36. The final English exam questions were too difficult for most of the students in the class -----.
a. answered b. to answer c. for answering d. that they answer
37. He felt extremely ----- after staying up very late to finish his school project.
a. tiring b. to tire c. tired d. was tired

38. I think I left my watch at your house. If you ----- it, can you call me?
a. found b. find c. will find d. finding
39. If you ----- to know a country or a nation well, you ----- study its art.
a. want / should b. are going to want / may
c. have wanted / could d. want / will
40. If you do not see any special thing in an artwork, you ----- appreciate its value.
a. can b. will c. didn't d. won't
41. ----- Maryam get a prize if she answers the question correctly?
a. Does b. Did c. Would d. Will
42. If ----- healthy food, you will live longer.
a. you ate b. you'll eat c. you'd eat d. you eat
43. Kate is going to miss the bus if she ----- hurry up.
a. doesn't b. won't c. didn't d. couldn't
44. They are attempting ----- the first to climb Mt. Everest without oxygen tanks.
a. to becoming b. to become c. becoming d. become
45. I dislike ----- in one place all day long. It makes me tired.
a. staying b. stay c. stayed d. to stay
46. We're waiting for the rain ----- before we go out.
a. to stopping b. stop c. stopping d. to stop
47. If you ----- more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount.
a. bought b. buy c. will buy d. are going to buy
48. The company is now planning ----- two new stores in the western regions of the town.
a. to start b. starting c. to starting d. start
49. Would you mind ----- your name and address on the back of the package?
a. write b. writing c. to write d. wrote
50. The research is almost over and they hope ----- the results next week.
a. publishing b. published c. publish d. to publish
51. "Would you like ----- with us?" "No thank you. I've just had lunch."
a. eating b. to eating c. eat d. to eat
52. Many old people are afraid of ----- an accident when they ----- the road.
a. have/cross b. has/crossed c. having/cross d. having/crossed
53. I think everything will be fine, but if ----- any problem, ----- call you, OK?
a. there is / I'll b. there was / I call
c. there will be / I call d. there was / I called
54. I think if we ----- Ben to the party, we'll have to invite his friends, too.
a. will decide inviting b. decide to invite
c. will decide to invite d. decide inviting
55. Do you think they will succeed in----- the work this week?
a. finishing b. finished c. finish d. to finish

Answer Key

Vocabulary Tests

1	B	11	B	21	D	31	A	41	B
2	D	12	C	22	C	32	A	42	A
3	C	13	D	23	D	33	B	43	B
4	B	14	B	24	B	34	C	44	C
5	C	15	A	25	D	35	D	45	C
6	A	16	B	26	C	36	B	46	D
7	B	17	B	27	D	37	B	47	B
8	B	18	A	28	D	38	B	48	C
9	A	19	D	29	B	39	A	49	C
10	D	20	B	30	B	40	A	50	B

Grammar Tests

1	B	6	A	11	D	16	D	21	D	26	D	31	b	36	B	41	D	46	D	51	D
2	D	7	C	12	D	17	D	22	A	27	C	32	C	37	C	42	D	47	B	52	C
3	D	8	B	13	B	18	A	23	B	28	D	33	C	38	B	43	A	48	A	53	A
4	D	9	A	14	B	19	C	24	D	29	D	34	A	39	A	44	B	49	B	54	B
5	B	10	D	15	C	20	B	25	D	30	B	35	B	40	D	45	A	50	D	55	A


تلاشی در مسیر موفقیت



- ✓ دانلود گام به گام تمام دروس
- ✓ دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- ✓ دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- ✓ دانلود نمونه سوالات امتحانی
- ✓ مشاوره کنکور
- ✓ فیلم های انگیزشی

 www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)